

تدوین قوانین جامع در حقوق فرانسه؛ تاریخچه، اهداف و نتایج

ترجمه: احمد اختیاری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

a.ekhtiari@gmail.com

اثر: دومینیک بورو (Dominique Bureau)
منبع: ۲۰۰۲، PUF، «Dictionnaire de la culture juridique»

البته واضح است که برگردان یک اصطلاح تک واژه‌ای به یک ترکیب سه‌واژه‌ای از سلاست و روان بودن متن می‌کاهد اما به هر حال واضح است که ترجمه هرگز جایگاه متن اصلی را نمی‌یابد. در برگردان این مقاله نیز سعی شده که از همین معادل استفاده شود، البته در پاره‌ای موارد که مقصود نویسنده خود واژه بوده نه مفهوم آن، تبعاً به همان صورت ذکر شده است.

مقدمه

اصطلاح (Codification) برای عمل طبقه‌بندی و تدوین، همین‌طور نتیجه‌ی این عمل بکار برده شده است. در مفهوم عام و مورد اتفاق این واژه گردآوری متون حقوقی و نظم و ترتیب دادن قواعد مرتبط با یک موضوع مشخص را در دل یک مجموعه‌ی مدون متبادر می‌سازد. این مجموعه «کد»^۱ (قانون جامع) نامیده می‌شود.

در گذر این فعالیت مستمر، مسأله «تدوین قوانین جامع» در موارد مختلفی قابل بحث است:

۱. تاریخچه

واژه‌ی (Codification)، که ریشه آن عبارت لاتین «Codicem»^۲ به معنی تدوین قانون جامع (کد) است، تا تاریخ ۱۸۱۵ که به قلم ژرمی بنتام^۳، ضمن ارائه طرح «ایجاد بدنه‌ی کامل

توضیح

برای برگردان فارسی اصطلاح (Codification) عبارات متفاوتی توسط نویسندگان و پژوهشگران بکار رفته است. که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «گردآوری قوانین»، «تفیح قوانین و مقررات»، «جمع‌آوری و طبقه‌بندی قوانین»، «تدوین قوانین جامع» و... در مواردی هم اصل واژه یا خوانش آن به خط فارسی استعمال شده است. دشواری انتخاب معادل فارسی برای این اصطلاح شاید به این دلیل است که اولاً این اصطلاح ناظر به یک فرآیند و مجموعه‌ای از اقدامات است که انتخاب معادل، حتی به صورت یک ترکیب، پاره‌ای از گستره‌ی دلالت آن را می‌کاهد، ثانیاً در زبان فرانسه این اصطلاح، هم به معنی مجموعه‌ای از اقدامات بکار می‌رود و هم نتیجه و محصول آن اقدامات. بنابراین با توجه به شرایط جمله، معنای آن متفاوت خواهد بود. ثالثاً چنان که در این نوشتار خواهد آمد، اصطلاح مزبور در حقوق فرانسه تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته و در قلمرو زمان نیز همواره متبادرکننده‌ی یک مفهوم نبوده است. این وضعیت بالتبع به نحو خفیف‌تری برای اصطلاح (Code) نیز وجود دارد. از دیدگاه نگارنده نزدیک‌ترین ترجمه که در این مورد بکار رفته، «تدوین قوانین جامع» می‌باشد^۱ و مزیت این ترجمه نیز بطور مختصر این است که تکیه در این ترکیب، شرح فرآیند نبوده تا اشکال کافی نبودن دلالت بر آن وارد باشد بلکه تأکید بر نتیجه کار است؛ یعنی «قانون جامع» و به این ترتیب معادل (Code) نیز روشن خواهد بود.

قانونگذاری^۴ نگاشته شد، مورد استفاده و کاربرد نبود. با این وجود اصطلاح (Code) در ادبیات حقوقی از اواخر قرن سوم برای توصیف محصول اقدامات مربوط به گردآوری حقوق موجود (droit existant) بکار می‌رفت.^۵

اما پدیده‌ی «کد» (قانون جامع) در واقع باز هم قدیمی‌تر است، چرا که در یکی از نخستین بروز و ظهورهای قانون در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح، قانون جامع «حمورابی» پادشاه بابل شاهد آن است. این قانون مجموعه‌ای از فرامین مختلف لازم‌الاجراء در آن عصر بود که به دستور حمورابی بر روی سنگی حک شده و در محل اصلی عبور مردم قرار داده شده بود.^۶

از دیدگاه مقایسه‌ای، در پایان قرن سوم پس از میلاد اقدامات خصوصی به جز متن کامل قوانین حکومتی سایر قوانین یا حداقل بخشهایی از قانون که مواعد را تعیین می‌کرد، را ارائه می‌دادند. (کدهای گریگورین «grégorien» و هرموژینین «Hermogénien») اولین قانون جامع رسمی در نوع خود در سال ۴۳۸ به دستور «تئودوز دوم»^۷ برای علاج مشکل ابهام و پیچیدگی حقوق بواسطه‌ی تعارض مقررات و عدم امنیت حقوقی که ایجاد کرده بود، منتشر شد. چنانکه امپراطور وضعیت را با تعبیر «توده‌ی عظیم نهادها» توصیف می‌کند. نتیجه‌ی این تدوین آسان‌سازی، شفافیت و ایجاد متون معتبر بود. این قانون جامع تأسیسات حقوقی پراکنده‌ای که از کتابها و عناوین مختلف برداشت می‌شد را براساس یک پلان روش مند (plan méthodique) طبقه‌بندی می‌کرد.

اما در خصوص قانون جامع معروف «ژوستینین»^۸ که نخستین ویرایش آن در سال ۵۲۹ منتشر شد، شیوه‌ی این قانون جامع، گروه‌بندی تأسیسات پراکنده‌ی امپراطوری بود که توسط «آدرین»^۹ و به دستور «ژوستینین» تدارک دیده شده بود. البته تدوین این قانون جامع توسط ژوستینین در عین حال جزئی از طرح گسترده سیاسی وی برای بازگرداندن مجد و عظمت به رم و استقرار امپراطوری با تمام قوا بود، که در ضمن این مقصود و علاوه بر آن، پاسخ‌گویی به نیازهای عملی، کاستن از انبوه قوانین پراکنده، و تسهیل اجرای بهتر آنها نیز تأمین می‌شد.

اما پس از یک تأخیر بسیار طولانی و در انتهای

قرن هجدهم مفهومی نوین از کدیفیکاسیون مطرح شد که اقدامی واقعی در جهت اصلاحات در حقوق را عرضه کرد.

گرایش کدیفیکاسیون در این قرن ارائه پاره‌ای از گزینه‌های فلسفی و ابراز یک ایدئولوژی واقعی بود که بطور مستقیم از مکتب حقوق فطری (طبیعی) نتیجه‌ی شد. این کدیفیکاسیون همچنین اصول یکسانی با قانون طبیعی ارائه‌ی نمود چنانکه براساس بیان «کمبرس»^{۱۰}: «یک کد طبیعی ضمانت اجرایش منطقی است و آزادی تضمین آن است.» البته طرح تدوین قوانین جامع بمنزله ارائه «حقوق مشترک جهانی» همانند بحث «ملی‌گرایی حقوق» که از سوی مکتب پوزیتویسم حقوقی مطرح گردید، رد شده است. این موضوع در همان شرایط و فضایی بود که کدهای بزرگ ناپلئون تدوین شد: قانون جامع مدنی (Code Civil) (در سال ۱۸۰۴)، قانون آئین دادرسی مدنی (Code de procédure Civile) در سال (۱۸۰۶) قانون جامع تجارت (Code de Commerce)، قانون جامع جزائی (Code Pénal) (در سال ۱۸۱۰) و قانون جامع تحقیقات جنایی (Code d'instruction criminelle) (در سال ۱۸۱۱).

این جنبش تدوین قوانین جامع پس از آن در بخش وسیعی از جهان گسترش یافت، چنانکه قانون جامع مدنی فرانسه الگوی تعداد زیادی از قوانین کشورهای دیگر در قرن نوزدهم قرار گرفته است. (به طور مثال موناکو، هلند، اسپانیا، پرتغال، آمریکای لاتین و ...) به موازات آن آلمان در سال ۱۸۹۶ قانون جامع مدنی خود را تدوین کرد که پاره‌ای دیگر از کشورهای آن الهام گرفته‌اند (مانند برزیل و یونان). پس از این دوره جنبش تدوین قوانین جامع با روشهای گوناگون در نقاط مختلف جهان مشاهده می‌شود. در فرانسه همچنین می‌توان به تعبیر ژرار کورنو^{۱۱} به نوعی شاهد «کدیفیکاسیون مجدد» (Recodification) در قلمرو اشخاص و خانواده حقوق مدنی باشیم؛ یعنی بخشی که دستخوش اصلاحات مکرری شده بود. همچنین در همین زمان مواجه با واگرایی جریان تدوین قوانین (Décodification) هستیم که علت اصلی آن ظهور و گسترش روز به روز موضوعات پراکنده‌ای بود که خارج از متن اصلی قانون جامع قرار می‌گرفت.^{۱۲} این امر تا اصلاحات کلی و فراگیری که بموجب

آئین‌نامه ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۰ واقع شد، ادامه داشت. این مقررات در واقع مفهوم جدیدی از تدوین قوانین جامع را معرفی می‌کرد.

البته با این وجود مفهوم قبلی، یعنی تدوین قوانین جامع به همراه اصلاحات و رفرم حقوق موضوعه، هیچ‌گاه بطور کامل محو نگردید، چنانکه کدهای مختلفی بر مبنای همین الگو در دوران معاصر تهیه شده‌اند (در فرانسه: قانون جامع آئین دادرسی کیفری^{۱۳} (۱۹۵۷) - (۱۹۵۸)، قانون جامع آئین دادرسی مدنی^{۱۴} (۱۹۷۵) (قانون جامع جزائی جدید^{۱۵} (۱۹۹۲)، و در سایر کشورها: اقدامات اخیری که در مورد تدوین قوانین جامع در هلند یا کبک انجام شده شواهد این ادعاست).

اما در سیر پیشرفت مفهوم تدوین قوانین جامع تحولاتی را پس از مدتی مشاهده می‌کنیم:

این تحول خصوصاً در اثر حکم ۱۰ مه ۱۹۴۸ صورت گرفت که مقرر می‌دارد: «نزد شورای ریاست جمهوری، یک کمیسیون عالی برای گردآوری مجموعه‌ی متون قانونی و مقررات آئین‌نامه‌ای در حال اجرا، به منظور هماهنگ‌سازی و کامل کردن اقداماتی که پیش از این توسط ارگانهای مختلف در این زمینه معمول بوده و ارائه کلیه پیشنهادات در خصوص آسان‌سازی^{۱۶} این متون قانونی به دولت و با دیدگاه تسهیل فعالیت‌های کدیفیکاسیون تشکیل می‌شود.»

این نوسازی در واقع نوع و روش خاصی از کدیفیکاسیون طراحی می‌گردد که به موجب این حکم اجرایی شکل گرفت، بدون اینکه اصلاحاتی که در شیوه‌ی اصلی کدیفیکاسیون معمول بود انجام شود و همچنین بدون اینکه فرآیند سیستماتیک تصویب پارلمانی طی گردد. (کدیفیکاسیون اداری و اجرایی)^{۱۷}

براساس این شیوه چند قانون جامع تدوین گردید از جمله: قانون جامع مستمری‌های مدنی و نظامی^{۱۸} (۱۹۵۱)، قانون جامع سلامت عمومی^{۱۹} (۱۹۵۳)، قانون جامع خانواده و معاضدت اجتماعی^{۲۰} (۱۹۵۶)، قانون جامع کار^{۲۱} (۱۹۷۳)، قانون جامع تشکیلات قضایی^{۲۲} (۱۹۷۸).

این حرکت اخیراً پیشرفت جدیدی داشته که عبارتست از جایگزینی کمیسیون عالی قبلی که وظیفه مطالعه برای تدوین قوانین جامع و آسان‌سازی متون قانونی و مقررات آئین‌نامه‌ای

خود را دوباره ترتیب دهند؛ همچنین با قرار گرفتن قانون در دسترس عوام، آنها بخشی از اهمیت خود را از دست می‌دهند، آنها دیگر مانند روحانیون فراعنه مصر نخواهند بود که مفسران انحصاری یک دانش غیبی باشند!» از رهگذار این دلایل، اغلب چنین ارزیابی می‌شود که هر قانون‌جامع حداقل باید یکی از کارکردهای آتی را داشته باشد: ۱- آسان‌سازی ساختاری و شکلی حقوق (Simplification Formelle) ۲- سازماندهی (Systematisation) و اصلاح حقوق. همچنین تدوین قوانین جامع گاهی به عنوان شاخصی برای «توسعه اقتصادی» مطرح می‌شود: چرا که بواسطه اینکه امکان کنترل بهتر بر تورم متون قانونگذاری و تکثیر قواعد حقوقی را فراهم می‌آورد، هزینه عمومی قوانین و مقررات که بخش خصوصی متحمل آن می‌گردد را کاهش می‌دهد، وانگهی به واسطه شفافیت‌سازی قوانین و مقررات، ارتقای رقابت و تجارت بین‌الملل را به لحاظ اقتصادی سبب

تدوین قوانین جامع همچنین هدف شفافیت را نیز پاسخ می‌گوید: این فرآیند به سمت یک حقوق پیوسته و گردآوری شده در یک یا چند «قانون جامع»، براساس یک پلان منطقی (Planlogique) با دسته‌بندی‌های نظام‌مند (regroupements) (systematiques) سمت و سو می‌دهد که حقوق را بیشتر قابل مطالعه و یا حداقل بیشتر قابل دسترسی برای عموم می‌نماید. این موضوع تا حدی است که گاهی از اوقات بعنوان یک ضد تجربه مشاهده می‌شود که از جمله موانعی که در مقابل اجرای کدیفیکاسیون بیان می‌گردد به واسطه تهدید نفع شخصی است که مشاوران حقوقی در حفظ دشواری و ابهام حقوق دارند. (همچنین بنگرید: توسکویل Tocqueville، مسافرت به آمریکا، ۱۸۳۵: «حقوقدانان آمریکایی معمولاً تمجیدهای پرطمطرقی از حقوق عرفی و سنتی می‌نمایند. آنها با تمام قوای خود با کدیفیکاسیون مخالفت می‌کنند. که دلیل آن به این صورت بیان می‌شود: اگر کدیفیکاسیون انجام شود، لازم است آنها مطالعات

را داشت، با «کمیسون عالی کدیفیکاسیون»^{۲۴} (CSC) که به موجب حکم اجرایی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۹ تشکیل شد. این کمیسون با هدف اصلی فعالیت برای آسان‌سازی و شفاف‌سازی حقوق از طریق گردآوری همه قوانین و مقررات مربوط به یک حوزه در قالب یک قانون جامع بوجود آمد.

از جمله کارهای این کمیسون می‌توان این موارد را نام برد: قانون جامع مالکیت‌های فکری^{۲۵} (۱۹۹۲)، قانون جامع مصرف^{۲۶} (۳۹۹۱)، قانون جامع مقررات عمومی نهادهای غیرمتمرکز محلی^{۲۷} (۱۹۹۶).

و سرانجام برای تسریع بیشتر در این امر مجلس به دولت صلاحیت داد که در پاره‌ای از موارد محدود از طریق وضع مصوبه برای هماهنگی بخش قانونگذاری اقدام نماید. (بر اساس قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۹) قلمرو این مقرره در چنین وضعیتی شامل این قوانین بود: قانون جاده‌ای^{۲۸}، قانون جامع آموزش^{۲۹}، قانون جامع سلامت عمومی^{۳۰}، قانون جامع تجارت^{۳۱}، قانون جامع محیط‌زیست^{۳۲}، قانون جامع عدالت اداری^{۳۳}، قانون جامع راه^{۳۴}، قانون جامع معاضدت اجتماعی^{۳۵} (بهبیستی)، قانون جامع پولی و مالی^{۳۶} این مثالها نشان‌دهنده گستره اقداماتی است که بدون درگیر شدن مجلس و با این شیوه‌ی تدوین یعنی از طریق مصوبه دولت انجام شد.

۲. پایه‌ها و کارکردها

دلایل مختلفی را می‌توان برای زمینه‌سازی و شکل‌گیری فرآیند تدوین قوانین جامع مطرح کرد. در صدر این موارد، دلایل فنی است که تقیح و تدوین را به عنوان ابزاری برای علاج پراکندگی منابع حقوق و تسهیل دستیابی و فهم قواعد معرفی می‌کنند. یکپارچگی مقررات و امنیت حقوقی نیز به عنوان جزء لاینفکی از مفهوم «قانون جامع» ارزیابی شده‌اند.^{۳۷}

علاوه بر این مطالعات متعددی این پدیده را به نیازها در مورد دسته‌بندی و اطلاع‌رسانی در مورد قواعد حقوقی، ثبات و انسجام، سهولت و یکپارچگی ارتباط داده‌اند. به ویژه از جهت هماهنگی و یکپارچگی، مدل و الگوی تدوین در جستجوی پاسخی به ضرورت ارتباط و هماهنگی اجزاء مختلف یک نظام حقوقی به منظور جلوگیری از تعارض‌های درونی است.





می‌گردد.

در پی این آثار، تدوین قوانین جامع همچنین می‌تواند در زمان‌هایی نشانه‌ای برای اقتدار سیاسی تحلیل شود. چنانکه در دوره‌هایی از تاریخ این اقدام بمنزله‌ی ابراز قدرت نمایان شده است. به رخ کشیدن اعتبار فردی، اثبات قدرت همه‌جانبه و جاودانگی یک اثر، مشارکت حکمرانان در توسعه تدوین قوانین را باعث شده است.

به عنوان نمونه می‌توان به حمورابی، پادشاه خود خوانده‌ی حقوق، اشاره نمود. همچنین ناپلئون که در زمان اقامت در سنت هلن^{۳۸} چنین بیان کرد: «افتخار واقعی من، پیروزی در چهل نبرد نیست، شکست و اترولو همه این پیروزی‌ها را محو خواهد کرد، آنچه که هرگز محو نخواهد شد و از یاد نخواهد رفت، آنچه برای همیشه باقی می‌ماند، «قانون مدنی» من است.» در این کارکرد، حاکم تدوین قانون جامع را وسیله‌ای برای باقی ماندن نام خود محسوب می‌کند.

از منظری نزدیک به این دیدگاه، تدوین قوانین جامع در ادواری از تاریخ به منزله ابزاری برای تقویت یکپارچگی قلمرو پادشاهی، امپراطوری و یا جمهوری، حتی اصلاحات اجتماعی یا بدست آوردن صلح و وفاق تلقی گردیده است. (درباره‌ی قانون مدنی بنگرید، (Portalis): «قوانین مدنی خوب ضمانت فراگیری صلح عمومی هستند».)

۳. دیدگاه‌های متفاوت حقوقی

در حالت کلی، قوانین جامع می‌توانند برحسب شرایط زمان‌ها و کشورها، دیدگاه‌های حقوقی کاملاً متفاوتی را منعکس کنند. چه در پس متفاوت بودن قوانین جامع در نظام‌های حقوقی گوناگون، پدیده‌ی تدوین در هر نظام چنان‌که واضح است تابع یکسری دیدگاه‌های خاص حقوقی و بر مبنای قواعدی عمومی است که در قانون جامع تعبیه شده و از آنها می‌توان راه‌حل‌های خاص هر نظام حقوقی را استنباط کرد. در نظام‌هایی که از سنت رومی - ژرمنی تبعیت می‌کنند، کدیفیکاسیون به سمت منظم ساختن قواعد حقوقی حرکت می‌کند، اما در عین حال الگویی را شکل می‌دهد که براساس آن می‌توان راه‌حل‌ها را قیاس و استنتاج کرد. «وقتی یک کد عرضه می‌شود در واقع یک متد و سبک استنتاجی برجسته شده است. مواد کد

مانند قضایای هندسی هستند که یک رابطه و ایجاد آثار آن را اثبات می‌کنند. یک حقوقدان حقیقی یک هندسه‌دان است.»^{۳۹} بی تردید این مسأله دلیلی است بر این‌که در نظام انگلیسی - آمریکایی کمتر شاهد تدوین قوانین جامع هستیم چه ایده‌ای که حقوق را در یک الگوی قیاسی و استنتاجی مطرح می‌کند طبیعتاً با روش نظام کامن‌لا بیگانه است.

بدین سان عقلانیت حقوقی در انگلستان با پدیده‌ی تدوین قوانین جامع ناسازگار گردیده است، که روش‌شناسی حقوقدانان انگلیسی ریشه در دعاوی قضایی و در شرایط خاص هر پرونده (کیس) دارد؛ استدلال‌ها و تحلیل‌ها نیز اغلب از مجموعه‌های رویه قضایی اقتباس می‌شود که علاوه بر استحکام ماهوی، به لحاظ شکلی هم ادله مرجح‌تری دارند و اگر در ایالات متحده، برای درمان عدم قطعیتی که متوجه رویه قضایی در قلمروهای مختلف حقوق

ناپلئون که در زمان اقامت در سنت هلن چنین بیان کرد: «افتخار واقعی من، پیروزی در چهل نبرد نیست، شکست و اترولو همه این پیروزی‌ها را محو خواهد کرد، آنچه که هرگز محو نخواهد شد و از یاد نخواهد رفت، آنچه برای همیشه باقی می‌ماند، «قانون مدنی» من است.»

کامن‌لا است و علاوه بر آن، تفاوت‌هایی که بین ساختار حقوقی ایالت‌ها وجود دارد، «مؤسسه حقوق آمریکایی»^{۴۰} برای هر موضوع حقوق کامن‌لا «مجموعه‌ی آخرین تفسیرهای ارائه شده برای قوانین»^{۴۱} را آماده می‌کند، اما طبعاً این مجموعه قدرت و اعتبار متون قانونی را ندارد.

امام به دنبال بیان نظرات کاملاً متفاوت حقوقی، در تفکر حقوقی آلمانی از ابتدای قرن نوزدهم کشمکش معروف بین «تیبولت»^{۴۲} و «ساوینی»^{۴۳} قابل اشاره است. تیبولت از تز «تدوین همه جانبه حقوق برای توده مردم» دفاع می‌کرد،^{۴۴} که درمانی برای عدم امنیت حقوقی و پراکندگی حقوق بواسطه کثرت منابع حقوق سنتی تلقی می‌شد. الگو و روشی از تدوین قوانین جامع را که او در سر می‌پروراند، قانونی بود که از لحاظ ساختاری و محتوایی کامل و بی‌نقص باشد، به عبارت دیگر، مقررات و

قواعدی روشن و شفاف و بدون ابهام و اجمال را مقرر نماید و نهادهایی سازماندهی کند که مفید و عاقلانه و بطور کامل پاسخگوی نیازهای اشخاص باشند. همچنین به عقیده وی تدوین قوانین باید در یک دوره زمانی مشخص و توسط یک اراده‌ی ثابت حقوقی انجام شود. آنچه که تیبولت را واداشت که از این شیوه چنین تعریف کند: «اقدامات نیکو و سودمند یک نهاد مدنی با همین اوصاف برای جاودانگی در همه زمانها» برای اینکه پاسخی قاطع به دیدگاه‌های منتشره ساوینی داده باشد.^{۴۵}

بر مبنای نوشته‌های یک حقوقدان ژرمنی: «طرح تدوین این قوانین جامع ظاهراً مرتبط است با نگرشی عمومی که در خصوص پیدایش حقوق موضوعه وجود دارد، بر مبنای این دیدگاه همه حقوق موضوعه به طور معمول سابقه در قوانین - به معنی دستورات صریح و مجوزات حکومت و قدرت عالی - دارد. به عبارتی تنها موضوع علم حقوق، مضمون و مفاد قوانین است.»

در مخالفت با چنین دیدگاهی نسبت به حقوق، ساوینی این ایده را در تقابل آن مطرح کرد: «حقوق بطور کلی به این صورت ایجاد می‌شود که زبان رایج رسم و عادت را توصیف می‌نماید، یعنی در ابتدا توسط عرف و عقیده مردم تولید می‌شود و سپس توسط قانون و رویه قضایی. بنابراین شکل‌گیری حقوق توسط نیروهای درونی و بی‌صداست. و نه توسط حکم قانونگذار.»^{۴۶} بنابراین قانونگذار نمی‌تواند حقوق را به صورت حکم و فرمان ایجاد کند بلکه حقوق از طریق فرآیندی نظام‌مند و معین از طریق ایجاد عقیده عمومی در مردمی که آنرا ضروری و الزام‌آور می‌دانند شکل می‌گیرد. (روح عمومی)^{۴۷}

از این رو ساوینی به گرایش‌هایی که در زمان او برای تدوین قوانین جامع وجود داشت معترض بود، ایده‌ی شکل‌گیری تاریخی حقوق را بیشتر می‌پسندید و استمرار حقوق را لازم می‌دانست. بعدها دیگران نیز ایده او را اینچنین مطرح کرده‌اند که، یک نسل، تمامیت یک ملت را شکل نمی‌دهد پس در نتیجه نمی‌تواند برای خود حق وضع قوانین برای آنانی که در آینده خواهند آمد را قائل باشد، بدون اینکه ضمناً در مورد خود، قوانین نسل‌های گذشته را بپذیرد.

۴. قالب‌ها

پدیده تدوین قوانین جامع در عمل به یک شکل و قالب نیست. از آنجا که شاخص‌ها و معیارهای مختلفی ممکن است در آن بکار گرفته شود در نتیجه شکل‌ها و قالب‌های مختلفی هم در نهایت عرضه خواهد شد:

الف) نخستین شاخص تأثیرگذار به «تدوین‌کننده‌ی قانون جامع» مربوط می‌گردد. گاهی این تدوین ناشی از یک ابتکار کاملاً شخصی است که به لحاظ تاریخی این نوع از تدوین قوانین مربوط به دوران قدیم است. چنانکه در بین دیگر قوانین جامع، کدهای گریگورین و هرموژنین شواهدی از این روش است. در عصر حاضر به شکل توسعه یافته کارهای مهمی صورت گرفته، از جمله اینکه متون حاکم بر یک موضوع خاص به طور ساده تدوین شده و توسط یک ناشر خصوصی منتشر گردیده است. (قانون جامع آیین دادرسی جمعیت‌ها^{۴۸}، قانون جامع ارتباطات^{۴۹}). در مقابل، ممکن است قانون جامع به شیوه رسمی تهیه شده و مراحل قانونگذاری را طی کند. (مانند قانون جامع مدنی و قانون جامع جزایی) یا بصورت مقررات آیین‌نامه‌ای تصویب می‌گردد (مانند قانون جدید آیین دادرسی مدنی).

با این سابقه، پدیده‌ی «تدوین و جمع‌آوری قوانین بر مبنای ثابت ماندن حقوق» (بدون تغییر ماهوی)^{۵۰}، چنانکه با در نظر گرفتن قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۹ بررسی شود، از لحاظ روش منحصر به فردی که بر اساس این قانون باید اجرا شود یعنی تدوین قانون جامع از طریق تصویب دولت، می‌بایست قطعاً توسط یک قانون تأییدکننده (تفویض‌کننده)^{۵۱} پشتیبانی شود. اما وقتی می‌دانیم که این پشتیبانی لزوماً نباید از یک قانون صریح ناشی شود، بلکه ممکن است اصلاحات قانونی توسط یک ماده که در داخل یک قانون جامع قرار می‌گیرد، تأیید شود که در واقع همان تئوری «تفویض ضمنی»^{۵۲} است، می‌توان ایرادات و بحثهایی را که بر اساس «تئوری منابع حقوق» و «کارکرد مجلس قانونگذاری» بر این شیوه مطرح می‌گردد را نیز پیش بینی کرد.

ب) شاخص دوم به موضوعی که در مورد آن تدوین قانون جامع انجام می‌شود مربوط می‌گردد. در یک تفکیک کلاسیک، دو شیوه برای تدوین قانون جامع وجود دارد: روشی که قوانین وضع

شده در گذشته، صرفاً جمع‌آوری می‌گردد و روشی که این قوانین باهم تلفیق شده و قانون حاکم در قالب یک قانون جامع ارائه می‌گردد.

در دکتترین برای نشان‌دادن این تفکیک از اسامی مختلفی استفاده شده است. از یک سو، اصطلاحات «تدوین قوانین جامع - گردآوری»^{۵۳}، «تدوین شکلی قوانین جامع بر اساس قواعد ثابت و بدون تغییر»^{۵۴}، تدوین قوانین جامع اصلاح‌کننده که منتفی‌کننده بی‌نظمی حقوقی است؛ تدوین قوانین بر اساس حقوق کنونی^{۵۵} و موجود، یعنی گردآوری قوانین حاکم و لازم‌الاجرا بکار می‌رود. اما از دیگر سو، با این عبارات مواجه هستیم «تدوین قوانین جامع - نوآوری»^{۵۶}، تدوین واقعی قوانین^{۵۷}، تدوین قوانین جامع برای اصلاح و برقراری نظم جدید

«وقتی یک کد عرضه می‌شود در واقع یک متد و سبک استنتاجی برجسته شده است. مواد کد مانند قضاپای هندسی هستند که یک رابطه و ایجاد آثار آن را اثبات می‌کنند. یک حقوقدان حقیقی یک هندسه‌دان است.»

تدوین قوانین جامع در ادواری از تاریخ به منزله ابزاری برای تقویت یکپارچگی قلمرو پادشاهی، امپراطوری و یا جمهوری، حتی اصلاحات اجتماعی یا بدست آوردن صلح و وفاق تلقی گردیده است.

حقوقی، تغییردهنده حقوق و ایجادکننده‌ی حقوق جدید. در واقع این تفکیک، اهداف اقدامات مربوط به تدوین قوانین جامع را روشن می‌سازد: اینکه هدف، مشارکت در اصلاحات حقوق است یا گردآوری متون پراکنده و دسته‌بندی آنها به منظور شفافیت قوانین و مقررات. اما با این وجود تفکیک مزبور چندان دقیق و مشخص نیست و طیف‌های مختلفی در آن وجود دارد.

بطور مثال قانون جامع مدنی فرانسه اغلب به عنوان نمونه‌ای برای تدوین قوانین اصلاح‌گرا ذکر می‌شود که این مربوط به بخشهایی از این قانون می‌شود که راه‌حل‌های قدیمی حقوق رم را بکار بسته است و در موارد وسیعی خود نیز ابتکاراتی داشته است. (در این مورد عبارتی مشهور از

«اسمین» نقل شده است: «تدوین‌کنندگان قانون، گشایندگان این مسیر فوق‌العاده بودند، آنها به هیچ‌وجه ادعا نداشتند که پدیدآورندگان این قواعد هستند، بلکه تنها خود را پیروان این مسلک می‌دانستند نه پیامبران آن»^{۵۸}

در تدوین قوانین جامع بر اساس حقوق ثابت موجود (Codification à droit Constant) نیز بدون تردید، ثبات و عدم تغییر نسبی است. اگر هدف تدوین قوانین تنها گردآوری و منظم ساختن قواعد موجود بدون ایجاد قواعد جدید باشد نیز «حقیقت این است که در هر عملیاتی که برای تدوین قوانین جامع انجام می‌شود، هر شیوه مواجه شدن با مقررات، علی‌رغم همه‌ی احتیاطهایی که در وفاداری به قوانین و مقررات صورت می‌گیرد، به صورت اجتناب‌ناپذیری در خود پاره‌ای از مجال‌ها برای تخطی از این اصل را در بردارد.»^{۵۹} شواهدی از این تغییرات از قبیل قطع رابطه بین قانون و نویسنده آن، اصلاح ساختاری و همینطور دسته‌بندی قواعد، و به خصوص اسلوب جدید عنوان‌بندی و اسامی سرفصل‌ها به قانون جامع جهت داده و تفسیر آن را تغییر می‌دهد.

بنابراین هر وقت کسی از ثبات و عدم تغییر حقوق حرف می‌زند در ادامه می‌بایست در عین حال مشخص کند که پس از تحقق فرآیند «تدوین قانون جامع»، حقوق، در مفهوم دقیق بدون تغییر نمانده است. (برای توجیه این تغییرات ناخواسته بنگرید G. Timsit: «این تغییرات جزئی، ثبات حقوق را متأثر نمی‌سازند و در واقع ایجاد حقوق در آن صورت نمی‌گیرد، این تغییرات در واقع چیزی نیست جز تغییر نحوه بیان. البته هر چند نمی‌توان این موارد را ایجاد حقوق دانست ولی در نگاه دقیق می‌توان بیانی دیگر از حقوق به حساب آورد که در نزد حقوقدانان با موجودیت قبلی متفاوت است.»)

بنابراین تحقق فرآیند تدوین لزوماً به یک حقوق ثابت و بدون تغییر منجر نمی‌گردد چرا که حتی صرف انتخاب ترتیب و نظم مواد و عناوین سرفصل‌ها بعضاً باعث ایجاد تغییراتی در حقوق می‌گردد. از این منظر، یک گام تکمیلی توسط قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۹ برداشته شده است، در عباراتی که چنین مقرر می‌دارد: «قواعد تدوین شده از تاریخ انتشار مصوبه لازم‌الاجرا هستند، با این شرط که صرفاً تغییرات و اصلاحاتی مورد پذیرش است که برای تأمین سلسله مراتب قواعد و هماهنگی

تدوین قوانین جامع همچنین ایده‌ی کامل بودن قانون نوشته را فراتر از آنچه قانون واقعا در بردارد مطرح می‌سازد. نتیجه‌ی غیرمستقیم این دیدگاه، کاهش نقش دکترین به شرح ساده‌ی مواد قانون جامع بوده که بطور گریزناپذیری منجر به تهی دستی اندیشه حقوقی می‌گردد. «تحت سیطره و حتی حیرت ناشی از نتایج تدوین قوانین جامع، مفسرین جدید فرانسوی این موضوع را به عنوان یک امر مسلم، حداقل بطور ضمنی، پذیرفته‌اند که قانونگذاری شکلی برای ارائه همه‌ی قواعد حقوقی لازم جهت پاسخ به نیاز زندگی اجتماعی در زمینه حقوق خصوصی کافی است.»^{۶۸ و ۶۹}

تدوین قوانین جامع بر پایه ارتقاء و بهبود قانون صورت می‌گیرد به همین دلیل اغلب در پی اصلاح نواقص و اشکالات مطرح شده‌ی قانون است. همچنین بواسطه ویژگی فصاحت و رسایی، «تدوین قانون جامع براساس ثابت ماندن حقوق» راه‌حلی برای مشکل تورم قانونگذاری است چنانکه می‌تواند به عنوان مبدأ تحقق امنیت حقوقی مطرح گردد. از این رو، اخیراً شورای دولتی فرانسه بطور تلویحی به این موضوع اشاره و بیان کرد که این نوع از تدوین قوانین جامع «به هدف اساسی قابل دسترس بودن و قابل فهم بودن قانون، و در نتیجه برابری در مقابل قانون پاسخ می‌گوید، موضوعی که ماده ۶ اعلامیه حقوق بشر و شهروندی به آن تصریح دارد. همچنین تضمینات حقوق بشر که در ماده ۱۶ به

«هماهنگی» دو هدف اساسی است. ساختار بندی یک قانون جامع تابع نیازی خاص به «پلان» (plan) است که شامل مجموعه‌ی تقسیمات عناوین و ماده‌بندی می‌گردد.

با این اوصاف آیا می‌توان گفت که تدوین قانون جامع همان قانونگذاری با گستره وسیع‌تر و ساختار بهتر است؟ پاسخ مثبت رواج بیشتری دارد که این پاسخ شاید ناشی از کم اهمیت جلوه دادن دیگر ابعاد فرآیند تدوین قوانین جامع باشد، ابعادی از قبیل «ارزش سمبولیک» قانون جامع؛ با این توضیح که یک قانون ساده اغلب دوام و ثبات یک قانون جامع را ندارد، بنابراین قانون جامع این قابلیت را دارد که یک سبمل و نشانه محسوب شود. از این رو در تدوین آن باید دقت و مطالعه بیشتری صورت گیرد.

پدیده‌ی تدوین قوانین جامع با این وجود روابط نزدیک و تنگاتنگ خود را با قانونگذاری به عنوان روش ممتاز یا حداقل اختصاصی بیان حقوق حفظ می‌نماید. چنان که این دیدگاه مطرح است: «هنگامی که بحث تدوین قوانین جامع مطرح است باید به انطباق با اصلی اساسی که حق ایجاد قانون را منحصرأ متعلق به قانونگذار می‌داند نیز توجه کنیم»^{۷۳} به طوری که در هر فرآیند تدوین قانون جامع می‌بایست «آیین قانون» رعایت شود تا به تعبیر «ژنی»^{۷۴} از خطر غلتیدن به نوعی «بت‌واره‌پرستی قانون تنقیح و تدوین شده»^{۷۵} در امان باشد.

نگارشی متون لازم بوده و وضعیت حقوقی را گردآوری، دسته‌بندی و یکپارچه می‌کنند.» به هر حال اگر گاهی تأکید بر تدوین قوانین جامع بدون تغییر حقوق می‌گردد، و مقصود از آن اینست که حقوق موجود دستخوش هیچ‌گونه اصلاح و تغییری نگردد، قانون فوق برای تسهیل کار تدوین‌کنندگان قانون جامع، چنین تغییراتی که ذکر شد را به رسمیت شناخته و به عبارتی نوع و قالبی جدید برای تدوین قانون جامع ابداع کرده است که می‌توان آنرا «اصلاحات در حقوق ثابت» (modification à droit constant) دانست.^{۶۰}

۵. «تدوین قوانین جامع» و قانونگذاری

روابط بین «تدوین قوانین جامع» و قانونگذاری از دیدگاه برخی نویسندگان نزدیک ارزیابی می‌شود و تنها یک تفاوت ساده در درجه آنها را از هم متفاوت می‌سازد. بعنوان نمونه وضعیت از دیدگاه «بودان»^{۷۱} این گونه است: «اصطلاح «کد» به قوانینی اطلاق می‌شود که نظام قانونگذاری را در یک موضوع مشخص در برداشته باشند. یک «کد» قانونی است که تفاوت دیگری با سایر قوانین ندارد مگر از لحاظ گستره، وسعت و اهمیت»^{۷۲} بنابراین، پدیده‌ی قانون جامع به نیازهای شکلی و ساختاری فراتر از آنچه از یک قانون عادی انتظار می‌رود پاسخ می‌گوید. در فرآیند تدوین قانون جامع انتخاب ساختار شکلی اهمیت محوری داشته، «شفافیت» و



اگر گاهی تأکید بر تدوین قوانین جامع بدون تغییر حقوق می‌گردد، و مقصود از آن اینست که حقوق موجود دستخوش هیچ‌گونه اصلاح و تغییری نگردد، قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۹ برای تسهیل کار تدوین‌کنندگان قانون جامع، چنین تغییراتی که ذکر شد را به رسمیت شناخته و به عبارتی نوع و قالبی جدید برای تدوین قانون جامع ابداع کرده است که می‌توان آنرا «اصلاحات در حقوق ثابت» (modification à droit constant) دانست.

آن اشاره شده، در صورتی که شهروندان آگاهی کافی نسبت به حقوق و تکالیف خود نداشته باشند، مؤثر نخواهد بود. شهروندان علاوه بر این می‌بایست در مورد نحوه اعمال و اجراء حقوق و تضمینات آزادی‌های فردی که ماده ۴ اعلامیه مقرر داشته مطلع گردند. طبق این ماده اجراء حقوق فردی هیچ حد و مرزی ندارد مگر بموجب قانون، چنانکه بر اساس ماده ۵ «هر آنچه براساس قانون ممنوع نیست نمی‌توان افراد را از آن منع کرد و هیچ‌کس را نمی‌توان ملزم به کاری دانست مگر قبلاً به آن الزام شده باشد»^{۶۹}

البته علی‌رغم این تصریحات، موارد مختلفی قابل مشاهده است که امنیت حقوقی بطور کامل با این روش تدوین قوانین جامع (بر مبنای عدم تغییر حقوق)، پشتیبانی و تأمین نمی‌شود. این شیوه تدوین در وهله اول ممکن است از این لحاظ مورد انتقاد قرار گیرد که هیچگونه درمانی برای اشکالات احتمالی قواعد حقوقی موجود ارائه نمی‌دهد. چرا که براساس توضیحی که داده شد: هرگونه بازاندیشی، تعریف، نوآوری و تصحیح قوانین از قلمرو این نوع تدوین خارج است. در نتیجه محصول این فرآیند صرفاً مجموعه‌ای گردآوری شده است که می‌تواند به عنوان طرح کلی و اولیه‌ای برای تدوین و تنقیح «واقعی» قوانین و مقررات در نظر گرفته شود. وانگهی تدوین قوانین جامع بر مبنای ثبات حقوق (عدم مداخله ماهوی) از منظری دیگر نیز کامل نیست: در این روش طبیعتاً راه‌حل‌های رویه قضایی نیز اشاره نمی‌شود، همینطور معاهدات بین‌المللی و مصوبات مستقل مقامات اداری، بنابراین تصور جامعیت و فراگیری در این خصوص چندان دقیق نیست.

البته کامل نبودن قانون جامع از این لحاظ لزوماً ایرادی اساسی برای تدوین محسوب نمی‌گردد و تدوین‌کننده نیز بخوبی به محدودیت‌های خود آگاه است در این خصوص نباید قاعده مشهور «پُر تالی»^{۷۰} در زمینه قانون مدنی را از یاد ببریم که می‌بایست از «بلند پروازی خطرناک برای قاعده‌مند کردن همه موضوعات و پیش‌بینی همه‌ی شرایط» اجتناب شود. ولی وقتی که تدوین قانون جامع دقیقاً با همین مقصود صورت می‌گیرد دیگر نباید از خطر ناکامی چندان واهمه داشت.

این موضوع بی‌تردید مهمترین انتقادی است که بر تدوین قوانین جامع بر مبنای ثبات ماندن

حقوق، مطرح گردیده است که: اگر این اقدام بخواهد نقش کاملی که برای آن در نظر گرفته شده را ایفا نماید می‌بایست کامل و جامع باشد، این مأموریت اصلی است که باید قانون جامع آن را تعقیب کند؛ یعنی همه مقرراتی که در یک موضوع خاص وجود دارد را در کنار هم گردآوری کند به نحوی که استفاده‌کننده بتواند با قطعیت به کامل و جامع بودن اطلاعاتی که در اختیار او قرار می‌گیرد اعتماد کند. با کمترین تردیدی در خصوص کامل بودن نتیجه کار همیشه باید بررسی کرد که آیا این قانون یا آن مقررات خارج از قانون جامع قرار نگرفته است؟ همچنین در خصوص هدف قانونگذار برای قابل فهم کردن حقوق این سئوال بدون پاسخ باقی می‌ماند که: چگونه درک و فهم بهتر ممکن است از گردآوری ساده‌ی متونی که خود مهم هستند ناشی شود؟

۶. نتیجه

تکثر فهم و برداشت از پدیده‌ی تدوین قوانین جامع منتهی به ارائه نتیجه‌ای نه چندان قوی گردیده است. اگر با دقت به موضوع بنگریم با این نتایج مواجه می‌شویم: «آثار ثمربخش و سودمند جنبش تدوین قوانین جامع، مشارکت اجتماعی شاخص انسجام سیاسی، مشارکت اجتماعی و یکپارچگی دسترسی به حقوق، با نتایج نه چندان رضایت‌بخش آن تعادلی را برقرار کرده‌اند، نتایجی از قبیل: گسترش پوزیتیویسم قانونگرا، از بین رفتن دیدگاهی که حقوق را به عنوان هنجار هدایت اجتماعی و مستقل از مرزهای سیاسی یا جغرافیایی مطرح می‌کرد، فراموش شدن یا کاهش توجه به نقش تحول تاریخی در شکل‌گیری نظام حقوقی، از دست دادن دیدگاه پژوهشی و تحلیلی برای یافتن قاعده صحیح‌تر بدلیل محدود شدن به قاعده‌ی ثابت تدوین شده، کنار رفتن ایده حقوق مشترک به نفع جنبش بخش‌بندی^{۷۱}، رجعت حقوقدانان جهانی به مکتب شارحین^{۷۲،۷۳}، التقاط و مخلوط شدن علم حقوق با انتظام حکومتی»^{۷۴}

بنابراین نتایج جنبش تدوین قوانین جامع متفاوت است: کارکرد و ثمر بخشی مطلوب این اقدام بطور وسیعی بستگی به روش انجام آن دارد، به اندیشه و تفکری که پیش از آن می‌شود، به گرایشی که برای قواعد تدوین شده

انتخاب می‌شود و البته مهم‌تر از آن برداشتی که حقوقدانان از این گرایش خواهند داشت. به علاوه آینده‌ی این حرکت تاحدی نامشخص است چنان‌که گواه این موضوع اینست که شیوه جدید تدوین قوانین جامع یعنی گردآوری و تدوین با حفظ ثبات حقوق، در شرایط تحولات بین‌المللی، جهانی شدن و عدم ثبات در شکل‌گیری قواعد حقوقی وضعیت چندان مساعدی برای توسعه پیش رو ندارد. به طوری که با مرور تحولات معاصر این مفهوم، می‌توان گفت که آینده حرکت تدوین قوانین جامع در فرانسه در وضعیت فعلی منوط به مفاهیم بنیادی است که بنیان این روش باید به آن توجه داشته و در روند کار آن را به خدمت بگیرند. چنانکه دوباره تأکید می‌شود که «اگر تدوین قوانین جامع بتواند جایگاه و ارزش سنتی قوانین را بازآفرینی کند، قطعاً آینده درخشانی خواهد داشت، در غیر این صورت باید به همین وضعیت نامشخص اکتفا کند»^{۷۵}

پی‌نوشت‌ها

۱-ظاهراً این معادل نخستین بار توسط جناب آقای دکتر عباس کریمی، که در این خصوص پژوهش‌های ارزشمندی داشته‌اند، بکار رفته است.

2-Code

3 - Jeremy Bentham

4 -Projet de composer un corps complet de legislation.

۵- این قوانین جامع به لحاظ کیفیت عرضه و جنس نیز برتری‌هایی داشتند. (از جمله اینکه در این مجموعه‌ها بجای رول پاپیروس از مجموعه اوراق استفاده می‌شد و در واقع به صورت یک کتاب واقعی در آمده بود).

۶- (مترجم:) این قانون مشتمل بر ۲۸۲ ماده در مورد مهمترین قواعد حاکم بر زندگی خانوادگی و اجتماعی و ضمانت اجرای آنهاست که رویکرد حفظ صلح و ثبات قلمرو پادشاهی به چشم می‌خورد، قدمت این اثر به سال ۱۷۸۰ پیش از میلاد باز می‌گردد و از این جهت نشانگر پیشگامی خاورمیانه در زمینه تدوین قانون می‌باشد. سنگ نوشته این قانون هم اکنون با پوششی مشابه استیل در موزه لوور نگهداری می‌شود.

7 - Téodose II

8 - Justinien

۹- ویرایش دوم این قانون در سال ۵۳۴ انتشار یافت.

10 -Hadrien

11 - Cambacérés

12 - G.Cornu

13 - B. Opetit.

14 - Code de procédure pénal.

- BEIGNIER B. (dir.), La Codification, Dalloz, «Thèmes et commentaires», 1996.
- CABRILLAC R., Les Codifications, PUF, «Droit, éthique et société», 2002.
- OPPETIT B., Essai sur la codification, PUF, «Droit éthique et société», 1998.
- Coll. : Institut international de droit d'expression française (XVIII^{em} Congrès), «La codification et l'évolution du droit», Reu. Jur. Etpol. Indépendance et Coopération, 1986, no 3 et 4.
- Institut international d'administration publique (Colloque), «Faut-il codifier le droit? Expériences comparées», Reu. Fr. D'adm. Pub., no 82, 1997. Voir aussi:
- CARBONNIER J., «Le Code civil», in Les Lieux de mémoire, Gallimard, 1986, sous la direction de P. Nora; Vo. Codification, in Dictionnaire de philosophie politique, sous la direction de Ph. Raynaud et S. Rials, PUF, 1998.
- PORTALIS F., Essai sur L'utilité de la codification, Paris, 1844.
- SURIJOUX J.L., «Codification et autres formes de systématisation du droit à l'époque actuelle», Journées de la Société de législation comparée, 1988, p. 145 sq.
- SUEL M., Essai sur la codification à droit constant, JO, 1993.
- TERRÉ F., «Les Problèmes de la codification à la lumière des expériences et des situations actuelles», in Études de droit contemporain, Trau. Et rech. Inst. Dr. comp., Paris, 1962, t. XXIII, p. 175 sq.
- «La codification», European Reu. Of Priuate Law, 1993, 31
- VANDERLINDEN J., Le Concept de code en Europe occidentale du XI^{IX} au XI^X siècle. Essai de définition, Bruxelles, 1967.
- VAN KAN J., Les Efforts de codification en France. Étude historique et psychologique, Paris, Rousscau, 1929.
- ZÉNATI F., «Les notions de code et de codification», Mélanges Christian Mouly, Litec, 1998, p. 217 sq.
- (درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، رنسه داوید و... ترجمه دکتر سید حسین صفایی، ص ۱۶)
- 47 - l'esprit du Peuple.
- 48 - Code des procédures collectives.
- 49 - Code de la communication.
- 50 - Codification à droit constant.
- 51 - loi de ratification.
- 52 - ratification implicite.
- 53 - Codification-Compilation.
- 54 - Codification Formelle à droit Constant.
- 55 - droit actuel / droit existant.
- 56 - Codification-innovation.
- 57 - Codification réelle.
- 58 - (A.Esmein): (L'originalité du Code Civil) Le Code Civil, Livre du centaire.
- 59 - G.Timsit, Proits, 1996.
- 60 - (N.Molfessis, RTD civ., 2000, 192)
- 61 - ch.Beudant.
- 62 - Cours de droit civil Français 1896.
- 63 - E.Roguin, Observation sur la codification du droit civil.
- 64 - F.Gény.
- 65 - Fetichisme de la loi codifiée.
- 66 - F.Geny, 3 Metodes d'interprétation et sources en droit privé positif, 1899, no 12.
- ۶۷- این دیدگاه صحیح است که ما آنرا تحت عنوان «مکتب تفسیر» بررسی می‌کنیم که خود نیز طیف‌های مختلفی دارد:
- Ph. Remy, "Éloge de l'exégèse" Driots, 1985.
- ۶۸- (مترجم): مکتب تفسیر (l'exégèse) در قرن ۱۹ که برای قانون به عنوان منبع حقوق نقش تقریباً انحصاری قائل است و جایگاه عرف و رویه قضایی را چندان پررنگ نمی‌داند.
- 69-décis.no99-427De du 16déc.1999.
- 70 - Portalis.
- 71 - Sectorisation.
- 72 - École des glossateurs
- ۷۳- (مترجم): نخستین مکتبی که پس از برداشت جدید از حقوق رم پس از قرن ۱۲ توسط ایرنریوس (Irnerius) بوجود آمد مکتب شارحین بود که سعی داشت معنی اصلی قوانین رمی را باز یابد و آنرا شرح دهد. پیروان این مکتب متون و قوانین ژوستینیان را شرح و تفسیر می‌کردند.
- 74 - B.Oppetit.
- 75 - B.Oppetit.
- منابع
- ALLAND D. & RIAIS S. (dir.), «La codification», Droits, no 24, 1996, no 26, 1997, no 27, 1998.
- 15 - Code de procédure civile.
- 16 - Code pénal.
- 17 - Simplification.
- 18 - Codification administrative.
- 19 - Code des pentions civiles et militaires.
- 20 - Code de la santé publique.
- 21 - Code de la famille et de l'aide sociale
- 22 - Code du travail.
- 23 - Code de l'organisation judiciaire.
- 24 - Commision supérieure de codification.
- 25 - Code de propriété intellectuelle.
- 26 - Code de la consommation.
- 27 - Cod générale des collectivites territoriales.
- 28 - Code rural.
- 29 - Code de l'éducation.
- 30 - Code de la santé publique.
- 31 - Code de commerce.
- 32 - Code de l'environnement.
- 33 - Code de justice administrative.
- 34 - Code de la route.
- 35 - Code de l'action sociale.
- 36 - Code de monétaire et financier.
- 37 - J. Vanderlinden, Le Concept de code en Europe occidentale du XIII au XIX, s. Essai de définition.
- 38 - Saint-Hélène.
- 39 - L.Liard, L'Enseignement supérieur en France de 1789 à 1893
- 40 - American Law Institute.
- 41 - Restatement of the Law.
- 42 - Thibault.
- 43 - Savigny.
- 44 - De la nécessité d'un droit civil général pour l'Allemagne: Über die Nothwendigkeit eines allgemeinen bürgerlichen rechts Für Deutschland, 1814
- 45 - De la vocation de notre temps Pour la législation et la Seience de droit : Vom Beruf unserer Zeit Für Gesetzgebung und Rechtswissenschaft 1814.
- ۴۶- (مترجم): ساوینی در قرن نوزدهم مکتب تاریخی حقوق را مطرح ساخت که براساس آن حقوق در جامعه وجود دارد فقط باید کشف شود، حقوق محصول قهری زندگی اجتماعی است و نه محصول تدبیر قانونگذار. به عبارت دیگر این مکتب ضرورت گسترش خود به خودی را به موازات اخلاق و زبان و هماهنگ با داده‌های تمدن هر کشور اعلام می‌کند.